



ORIGINAL RESEARCH PAPER

Customer Commitment and Obligation on Risk Tolerance in Iranian Law and International Commercial Terms (Incoterms) 2010: A Comparative Analysis

Kobra Abadian Vash ^{1*},  Mehdi Sheidaei Gorchin Qaleh ² 

Received:

13 May 2021

Revised:

02 Jun 2021

Accepted:

22 Jun 2021

Available Online:

01 Jul 2021

Abstract

Background and Aim: Given the ever-increasing application of Incoterms in international trade and the progressive tendency of traders in employing the aforementioned set of rules in international transactions, a comparative examination of the customer's obligations and duties in Incoterms and Iranian Law would be able to alleviate the inconsistencies of the obligations of the parties to international transactions and hence prevent further disputes. As such, the purpose of this study was to offer solutions to Iranian traders in the international and domestic realm.

Materials and Methods: This research employs theoretical methods, that is, it employs descriptive-analytical methods and seeks out library archive, including books and articles, for data collection.

Ethical Considerations: In all stages of authoring the current study, principles of integrity and trustworthiness were observed, while the originality of the texts were maintained.

Findings: The duties and obligations of the customer are different in each published version of Incoterms, which are, both similar and different to Iranian law in different cases. Nevertheless, by the inclusion of terms addressing the possibility of agreement between the parties, the discrepancy between the Iranian Law and Incoterms can be alleviated.

Conclusion: The comparative analysis of Customer Commitment and Obligation on Risk Tolerance in Iran and International Commercial Terms (Incoterms) 2010 law indicate that Incoterms is rather focused on the handing-over of the object of sale, while the Iranian law, on the contrary, is focused on taking delivery of the object of sale, and therefore these two bodies of law are divergent in the aforementioned grounds.

Keywords:

Incoterms 2010,
Iranian law,
Seller,
Customer,
Risk.

1 Master of Private Law, Department of Law, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran.*

(Corresponding Author) Email: Khdabkhshabadyan@gmail.com Phone: +989052381072

2 Assistant Professor, Department of Law, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran.

Please Cite This Article As: Abadian Vash, K & Sheidaei Gorchin Qaleh, M (2021). "Customer Commitment and Obligation on Risk Tolerance in Iranian Law and International Commercial Terms (Incoterms) 2010: A Comparative Analysis". *Interdisciplinary Legal Research*, 2 (2): 69-81.



مقاله پژوهشی

(صفحات ۶۹-۸۱)

مطالعه تطبیقی تعهد و تکلیف مشتری بر تحمل ریسک در حقوق ایران و اینکوترمز ۲۰۱۰

کبری آبادیان وش^{۱*}، مهدی شیدایی گورچین قلعه^۲

۱. کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، گروه حقوق، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران. (نویسنده مسؤل)

Email: Khdabkshabadyyan@gmail.com

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.

دریافت: ۱۴۰۰/۲/۲۳ ویرایش: ۱۴۰۰/۳/۱۲ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۱ انتشار: ۱۴۰۰/۴/۱۰

چکیده

زمینه و هدف: با توجه به کاربرد فراوان اینکوترمز در تجارت بین‌الملل و گرایش پیش‌رونده‌ی تجار در به کارگرفتن این مقررات در معاملات بین‌المللی، در جهت رفع تشتت تعهدات متعاملین، بایستی تعهد و تکالیف مشتری در اینکوترمز و حقوق ایران مورد بررسی قرار گیرد تا بدین منظور از بروز اختلافات بعدی پیشگیری شود. هدف این پژوهش ارائه راهکارهایی به تجار ایرانی در عرصه بین‌المللی و داخلی است.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: تکالیف و تعهدات مشتری در هر یک از روش‌های اینکوترمز متفاوت می‌باشد و این تعهدات و تکالیف در برخی جهات متفاوت و در برخی جهات مشابه حقوق ایران است و در حقوق ایران، با امکان توافق طرفین می‌توان تفاوت حقوق ایران و اینکوترمز را برطرف نمود.

نتیجه‌گیری: در مقام مقایسه‌ی تعهد و تکلیف مشتری بر تحمل ریسک در حقوق ایران و اینکوترمز ۲۰۱۰ با توجه به پژوهش باید گفت در خصوص نقطه انتقال ریسک اینکوترمز تابع نقطه تسلیم مبیع است و حقوق ایران در نقطه مقابل، تابع نقطه قبض مبیع می‌باشد؛ از این جهت این دو مقررات با یکدیگر تفاوت دارند. از این رو با لحاظ نقطه تسلیم در هریک از روش‌های اینکوترمز، ضمان معاوضی به مشتری منتقل می‌گردد.

کلمات کلیدی: اینکوترمز ۲۰۱۰، حقوق ایران، بایع، مشتری، ریسک.

مقدمه

۱- بیان موضوع

افزایش وسایل ارتباطی و پیشرفت‌های مربوط به حمل و نقل، موجب گسترش روابط تجاری در عرصه بین‌الملل شده است و به تبع مسائل حقوقی جدیدی در زمینه حقوق تجارت بین‌الملل پدیدار گشته است. یکی از جلوه‌های این گسترش در حوزه حمل و نقل بین‌المللی کالا، افزایش استفاده از حمل و نقل چند وجهی در مبادلات کالایی میان تجار در عرصه بین‌المللی می‌باشد که البته حقوق‌دانان را با چالش‌های جدیدی در این عرصه مواجه نموده است. توضیح اینکه در حال حاضر یک کنوانسیون بین‌المللی لازم‌الاجرا که روابط میان اشخاص مشمول در حوزه حمل و نقل بین‌المللی چند وجهی کالا را تنظیم نماید، وجود ندارد و لذا اسناد بین‌المللی حمل یک وجهی در ارتباط با حمل و نقل (هوایی، دریایی، ریلی و جاده‌ای) می‌بایست در این حوزه مد نظر قرار گیرند. در این میان و جهت رعایت حقوق بایع و مشتری، اینکوترمز به عنوان استاندارد بین‌المللی ناظر بر تجارت بین‌الملل در قالب مجموعه مقررات عرفی، به بررسی چگونگی تقسیم و تسهیم ریسک و هزینه‌ها و برخی تعهدات بایع و مشتری می‌پردازد (Bhogal & Trivedi, 2019: 118).

لزوم همراه گشتن با پیشرفت‌های تکنولوژیک و تسهیلات نوظهور تجارت بین‌الملل نظیر ظهور و گسترش بکارگیری حمل کانتینری در تجارت بین‌الملل سبب گشت تا اتاق بازرگانی بین‌الملل مقررات اینکوترمز را در جهت همراه شدن با این تغییرات به روز رسانی کند و در جریان این بازنگری‌ها در سالهای ۱۹۶۷، ۱۹۵۳، ۱۹۷۶، ۱۹۸۰، ۱۹۹۰، ۲۰۰۰، ۲۰۱۰ و ۲۰۲۰ تعداد روش‌هایی بر این مجموعه مقررات افزوده یا کاسته شد. باید توجه نمود که قواعد اینکوترمز قانون نیستند که متضمن ضمانت اجرای قهری باشد بلکه مقرراتی است که قدرت الزام آوری خود را از درج در قرارداد

مبنا به دست می‌آورند و حتی به عنوان قسمی از شروط استاندارد شناخته می‌شود.

بدین ترتیب می‌توان بیان داشت که نفس قانون مدل بودن هیچ الزامی از آن بر نمی‌خیزد مگر اینکه عرف باشد که در این خصوص می‌توان بیان داشت که با توجه به اینکه قواعد اینکوترمز مقررات عرفی است، می‌توان این الزام را در آن مقررات نیز یافت، در غیر اینصورت تراضی طرفین این مقررات را برای طرفین الزام آور می‌نماید.

قواعد اینکوترمز مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف را برای هر یک از اطراف معامله پیش بینی نموده است. این مجموعه به‌عنوان رایج‌ترین اصطلاحات تجاری بین‌المللی، مورد پذیرش بسیاری از تجار و شرکت‌های تجاری بین‌المللی واقع شده است. در اکثر موارد، اختلافات تجار به دلیل مشخص نبودن تعهدات و تکالیف طرفین بوده که به طور عمده از عدم صراحت و شفافیت حقوق و تعهدات طرفین در زمان انعقاد عقد و یا مبهم گذاردن این تعهدات در قرارداد، ناشی می‌شود. با تدوین اینکوترمز، اینکوترمز با تصریح به حقوق و تعهدات بایع و مشتری در صدد برآمد تا اجمال و بی‌اعتمادی ناشی از به کارگیری مقررات مختلف را از بین ببرد. در نتیجه این امکان برای بایع و مشتری حاصل شد تا با توافق نسبت به نوع اصطلاح معامله، به طور دقیق تعیین کنند که چه تعهداتی مشخصاً در زمره تعهدات متعاملین قرار می‌گیرد. در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی سعی در مطالعه تطبیقی تعهد و تکلیف مشتری بر تحمل ریسک در حقوق ایران و اینکوترمز ۲۰۱۰ خواهد شد و سعی در یافتن پاسخی برای این پرسش خواهد داشت که شباهت‌ها و تفاوت‌های تعهد و تکلیف مشتری بر تحمل ریسک در حقوق ایران و اینکوترمز ۲۰۱۰ چیست؟

۲- تبیین مفاهیم

اینکوترمز، به معنی مجموعه روش‌های تجاری بین‌المللی قواعدی است که اتاق بازرگانی بین‌الملل در پاسخ به نیاز

دست‌اندرکاران بخش خصوصی و حتی دولتی بوده است. اتاق بازرگانی بین‌المللی با ایجاد کمیته‌های تخصصی متشکل از اعضا گام‌های بلند و مفیدی در این راستا برداشته و قواعد متحدالشکل و استاندارد را تدوین کرده که در سراسر دنیا به وسیله تجار و حتی دولت‌ها پذیرفته شده‌اند. می‌توان گفت مشهورترین قاعده‌ی استاندارد تدوین شده توسط اتاق بازرگانی بین‌المللی اینکوترمز است. مقررات اینکوترمز با اختصاص به اجرای قرارداد، به بررسی قواعد مختلف در زمینه تعهدات بایع و مشتری می‌پردازد و بسته به اینکه کدام روش ناظر بر قرارداد باشد، طرف متعهد متفاوت خواهد بود. در این بخش تعهدات و تکالیف مشتری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- مفهوم مشتری در حقوق ایران و اینکوترمز

از واژه مشتری در اینکوترمز و قانون ایران، تعریفی ارائه نشده است، از این‌رو در جهت ارائه تعریف صحیحی از این لفظ به تعاریف ارائه شده از سوی حقوقدانان و سایر منابع حقوقی و فقهی مراجعه شده است.

در برخی منابع، مشتری قبول کننده عقد بیع و پرداخت کننده ثمن تعریف می‌شود (مسجدسرای، ۱۳۹۳: ۵۶۷). در متون فقهی مشتری را گوینده لفظ خریدم، دانسته‌اند (شهیدی تبریزی، ۱۳۷۵: ۱۸۰). برخی دیگر از فقها، صاحب ثمن را مادام که خلاف آن تصریح نشده است، مشتری نامیده‌اند (انصاری، ۱۴۱۱: ۲۳۹).

لذا در جهت ارائه تعریفی کامل از لفظ مشتری می‌توان مشتری را شخصی دانست که اصالتاً یا نیابتاً قبول تملیک مبیع و تأدیه ثمن را برعهده دارد.

در اینکوترمز نیز تعریفی از مشتری ارائه نشده است. علیرغم ارائه نظر مفسرین اینکوترمز در خصوص تعریف مشتری بر اساس قانون حاکم بر قرارداد می‌توان بیان داشت که نظر به عرفی بودن روش‌های مذکور در اینکوترمز و مندرجات آن مفهوم مشتری نباید از مفهوم متعارف و متداول آن و

وجود یک تفسیر واحد از رویه‌های بین‌المللی ارائه داده است. این مجموعه مقررات که از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰، ۱۳ روش تجاری را در خود گنجانیده بود در بازنگری سال ۲۰۱۰ تعداد روش‌های آن به ۱۱ روش تجاری تقلیل یافت که هر یک با حروف اختصاری سه حرفی نشان داده می‌شود و بیانگر کلی تعهداتی است که بایع و مشتری باید عهده‌دار گردد از این‌رو، تعریف هر یک از روش‌های اینکوترمز ضرورت دارد.

روش EXW به معنی تحویل در محل بایع است. گروه F که بایع تعهدی بر پرداخت کرایه حمل ندارد، هر یک از روش‌های آن به شرح زیر است:

روش FCA به معنی تحویل به حمل کننده است FAS تحویل در کنار کشتی و روش FOB تحویل بر روی عرشه کشتی معنی می‌دهد.

گروه C که متضمن پرداخت کرایه حمل از سوی بایع است، به ترتیب در روش CPT کرایه حمل پرداخت شده تا در روش CIP کرایه حمل و بیمه تا مقصد پرداخت شده، در روش CFR هزینه و کرایه حمل و روش و روش CIF هزینه بیمه و کرایه حمل معنی می‌دهد.

گروه D متضمن روش DAT به معنی تحویل در پایانه حمل، روش DAP تحویل در محل و روش DDP تحویل عوارض پرداخت شده می‌باشد.

۳- روش تحقیق

مقاله حاضر به لحاظ هدف کاربردی، به لحاظ ماهیت توصیفی تحلیلی و به لحاظ روش کتابخانه‌ای است. با مطالعه و بررسی کتب و مقالات در ارتباط با موضوع گردآوری اطلاعات با استفاده از ابزار فیش برداری انجام شد.

بحث و نظر

تجارت بین‌المللی فرآیندی است که دست‌کم بین دو کشور اتفاق می‌افتد، ایجاد زبان مشترک و وحدت رویه بین کشورها از دهه‌های گذشته یکی از دغدغه‌های مدیران و

قبول به مشتری بود و اینکوترمز و حقوق ایران در بیان مفهوم مشتری از این جهت با یکدیگر اختلاف دارند.

ماده ۳۳۸ قانون مدنی، عقد بیع را عقدی معاوضی می‌داند و این ویژگی یکی از اصلی‌ترین تعهدات مشتری را بر عهده وی مستقر می‌گرداند. قانون مدنی ایران در ماده ۳۶۲، مشتری را ملزم به تادیه ثمن می‌نماید و نیز در ماده ۳۹۴ بیان می‌دارد که تأدیه ثمن باید در زمان و مکان مقرر در عقد بیع و شرایط مندرج در قرارداد صورت پذیرد. در اینکوترمز نیز ماهیت معاوضی عقد بیع با به رسمیت شناختن این تعهد در بند ب-۱ کلیه روش‌های اینکوترمز پرداخت قیمت کالا باید به ترتیب مقرر در قرارداد فروش صورت پذیرد.

با این توضیح هم اینکوترمز و هم در حقوق ایران انتخاب روش پرداخت ثمن تابع اراده طرفین دانسته شده و بدلیل عدم تصریح این مقررات، طرفین در این خصوص باید با یکدیگر تراضی بنمایند.

در بیع داخلی علی‌رغم اینکه منعی بر غیر نقدی بودن ثمن وجود ندارد استفاده از وجه نقد در معاملات آسان‌ترین و متداول‌ترین شیوه پرداخت ثمن بیع می‌باشد و به دلیل ارتباط مستقیم طرفین معامله با هم، مشکل خاصی هم در پرداخت‌ها پدید نمی‌آید.

در بیع بین‌الملل عوامل متعددی می‌تواند تعیین کننده روش پرداخت باشد. نظر به بعد مسافت، عدم ارتباط مستقیم طرفین معامله با یکدیگر میزان ارزی که باید پرداخت شود که در اکثر موارد به میزان قابل توجهی بیشتر از موارد مشابه در بیع داخلی است و نیز موانع و محدودیت‌های سیاسی وارد بر معاملات بین‌المللی، استفاده از وجه نقد با پیچیدگی‌ها و مشکلاتی مواجه شده است بنابراین در هر مورد طرفین باید با تراضی یکدیگر روشی را برگزینند که کمترین میزان ریسک و هزینه را برای آن‌ها داشته باشد به بیانی بهتر، هدف اصلی متعاملین در عقد بیع انتقال عوضین و ورود آن به دارایی آن‌ها می‌باشد. بنابراین تجار روشی را

آنچه که در فرهنگ‌های لغات و تعاریف ارائه شده در نظام‌های حقوقی مختلف آمده، دور باشد. در واژه نامه‌ها، مشتری تحت عنوان خریدار مال یا موافقت کننده به خرید مال تعریف می‌شود. در نظام‌های حقوقی نیز تعاریف ارائه شده مشابه واژه نامه می‌باشد. برای مثال در بند ۱ ماده ۱ قانون بیع کالای کانادا مصوب سال ۱۹۹۰ همین تعریف ارائه شده است و نیز قسمت (a) از بند (۱) ماده ۲-۱۰۳ قانون متحدالشکل تجاری امریکا، مشتری را خریدار مال، یا منعقد کننده قرارداد خرید معرفی می‌کند؛ در قانون مدنی فرانسه نیز تعریفی از مشتری ارائه نشده است اما حقوقدانان فرانسوی، مشتری را شخصی که کالایی را خریداری می‌کند تعریف نموده است (نامدار، ۱۳۹۵: ۳۵).

در بیع‌های بین‌المللی صدور قبول انحصاری مشتری نمی‌باشد و این مسئله که تنها مشتری می‌تواند قابل عقد بیع باشد، منتفی دانسته شده است. در راستای اثبات این مدعا، کنوانسیون بیع وین به عنوان قانون متحدالشکلی که مورد قبول بسیاری از کشورهای جهان و یا حتی تجار بین‌المللی می‌باشد. صدور درخواست خرید را چنانچه متضمن شرایط ایجاب در کنوانسیون باشد، ایجاب تلقی نموده و آثار ایجاب صحیح را بر آن بار می‌نماید. بنابراین صدور قبول در بیع بین‌المللی صرفاً از سوی مشتری کلیت نداشته و مشتری نیز می‌تواند موجب یا قابل عقد بیع باشد. آنچه که در فقه و برخی از منابع حقوقی ارائه شده مشتری را صادر کننده قبول معرفی می‌نماید (نامدار، ۱۳۹۵: ۳۵).

قانون ایران علاوه بر اینکه تعریفی از مشتری ارائه نداده است در خصوص اختصاصی بودن ایجاب و قبول نیز سکوت کرده است. در نهایت با توجه به اینکه سکوت قانونگذار را نمی‌توان دلیل بر مخالفت با فقه در این موضوع دانست؛ در مقام حل و فصل موضوع نزاع با توجه به تصریح اصل ۱۶۷ قانون اساسی، این سکوت قانونگذار را با مراجعه به منابع فقهی می‌توان جبران نمود و در نتیجه قائل به اختصاص

ترجیح می‌دهند که تضمین بیشتری از این جهت برای آن‌ها فراهم آورد.

به این ترتیب مشتری در وهله اول کسی است که ثمن را تأدیه می‌کند. شاید ذکر این نکته خالی از وجه نباشد که مشتری در اینکوترمز حسب مورد می‌تواند مشتری اول باشد یا مشتری دوم و سوم. یعنی در صورتی که مشتری ترتیبات پرداخت ثمن را واقع سازد بایع با ارائه اسناد به مشتری مالکیت و سلطه خود را بر مبیع منتفی ساخته و مبیع به مالکیت مشتری در می‌آید، حتی اگر مبیع هنوز در حال حمل باشد و به دست مشتری نرسیده باشد یا حمل آن به پایان رسیده باشد و هنوز به مشتری تحویل نشود در این موارد مشتری، با داشتن بارنامه قابل انتقال می‌تواند با واگذاری اسناد کالا به ویژه سند حمل، مبیع را به شخص دیگر بفروشد و به همین ترتیب مشتری دوم نیز می‌تواند کالا را به دیگری انتقال دهد در نهایت مشتری دوم یا سوم یا به عبارت بهتر مشتری آخر مبادرت به قبض و ترخیص کالا و انجام سایر تعهداتی که در اینکوترمز برای مشتری پیش‌بینی شده است، می‌نماید.

با توجه به مطالب بیان شده می‌توان مشتری را در اینکوترمز فردی دانست که ثمن مبیع را به بایع می‌دهد و تعهدات گروه ب از اصطلاحات اینکوترمز را به انجام می‌رساند، اعم از اینکه مشتری اول یا دوم و... باشد.

۲- مقایسه انتقال ریسک در حقوق ایران و اینکوترمز

باید گفت انتقال ریسک میان حقوق ایران و اینکوترمز جز در نقطه انتقال، یکسان است. در اینکوترمز مشتری از زمان تسلیم مبیع صرف نظر از تحقق قبض ضامن ریسک کالا خواهد بود اما در حقوق ایران انتقال ریسک علی‌رغم اینکه در ظاهر متوقف بر تسلیم کالا گردیده است حقیقتاً از زمان قبض به مشتری منتقل خواهد گشت. از این‌رو در تطبیق قواعد اینکوترمز و حقوق ایران این موضوع به

شرح زیر متفاوت می‌باشد.

در روش EXW ریسک کالا با در اختیار قرار دادن مبیع به مشتری در محل بایع منتقل می‌گردد و از این نقطه به بعد هرگونه تلف و خسارت بر مبیع بر عهده مشتری خواهد بود اما در نقطه مقابل در حقوق ایران انتقال ریسک در واقع با قبض مبیع تحقق می‌یابد و از این حیث میان اینکوترمز و حقوق ایران تفاوت وجود دارد.

قانونگذار در خصوص امکان تراضی طرفین بر نقطه انتقال ریسک تصریحی ندارد و میان حقوقدانان در این موضوع اختلاف نظر وجود دارد.

مبنای این اختلاف نظر را می‌توان بحث بر سر امری یا تکمیلی بودن ماده ۳۸۷ قانون مدنی دانست. برخی به تبعیت از فقه قائل بر امری بودن ضمان معاوضی هستند و شرط خلاف آن را نامشروع می‌دانند (امامی، ۱۳۸۲: ۲۸۵). اکثریت فقها نیز جهت رد امکان چنین توافقی همین دلیل را متمسک قرار می‌دهند (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۱۹۰). و برخی دیگر از فقها چنین تراضی را اسقاط مالم یجب تلقی نموده و در نتیجه آن را صحیح نمی‌دانند (خوانساری نجفی و نائینی، ۱۳۹۸: ۱۹۰).

دکتر کاتوزیان در پاسخ به گروهی که چنین توافقی را نامشروع و خلاف مقتضای ذات عقد می‌دانند اینگونه استدلال می‌نمایند که در عقد بیع مقتضای ذات عقد تملیک و تملک عوضین است و چنانچه طرفین این تعهد را بر عهده مشتری قرار دهند، مانع تملیک و تملک مبیع نمی‌گردد و مبادله کان لم یکن نخواهد گردید و در نتیجه این شرط بر صحت عقد بیع خللی وارد نخواهد نمود (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۱۰۸).

در پاسخ به عده‌ای که اسقاط ضمان معاوضی را از عهده بایع، اسقاط مالم یجب می‌دانند نیز باید بیان داشت که توافق بر خلاف قاعده مقرر در ماده ۳۸۷ را در صورتی می‌توان اسقاط مالم یجب دانست که تعهد در هنگام چنین توافقی

نیز وجود دارد. به علاوه، ماده ۴۵۳ قانون مدنی در صورتی که مبیع بعد از قبض مبیع در زمان خیار مختص به مشتری تلف یا ناقص شود، تلف همچنان از مال بایع است. با توجه به اینکه درج اختیارات در عقد و اسقاط آن جنبه ارادی دارد می‌توان بیان داشت، هنگامی که درج اختیارات می‌تواند زمان انتقال ضمان معاوضی را تغییر دهد به طریق اولی اراده طرفین در این خصوص کارگر خواهد بود.

شاید با توجه به کلام برخی در خصوص جنبه استثنائی حکم ماده ۴۵۳ چنین استدلالی مخدوش به نظر برسد چرا که به تصریح آنها، وقتی پذیرفته شد که خیار مانع انتقال ضمان معاوضی نمی‌شود دیگر به هیچ منطقی نمی‌توان تلف مبیع را بر عهده فروشنده گذاشت (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۱۹۳). این کلام در صورتی صحیح است که مبنای این عدم انتقال را خیار قرار دهیم که با توجه به اینکه این حکم جنبه استثنائی دارد نمی‌توان آن را ملاک تسری به سایر موارد دانست و چنین قیاسی به طور قطع باطل خواهد بود. به عبارت بهتر این کلام به منع سرایت این حکم به سایر اختیارات دلالت دارد. اما اگر مبنای این انتقال را اراده بدانیم به نظر می‌رسد اصل حاکمیت اراده احترام به چنین توافقی را اقتضا می‌نماید و ماده ۱۰ نیز مقتضی عمل به چنین توافقی می‌باشد چرا که با استدلال بر تکمیلی بودن این قاعده چنین توافقی را می‌بایست صحیح و الزام آور دانست.

در این صورت با خروج ضمان معاوضی از زمره قواعد آمره، امکان تراضی و توافق طرفین بر انتقال ریسک در حقوق ایران با تسلیم مبیع وجود دارد. در این صورت با امکان تراضی و توافق طرفین بر انتقال ضمان معاوضی همزمان با تسلیم مبیع تفاوت موجود میان اینکوترمز و حقوق ایران نیز مرتفع خواهد گردید.

در روش‌های گروه F که ریسک کالا در نقطه تسلیم منتقل می‌گردد، با توجه به تنوع مکانی نقاط تسلیم انتقال ریسک در نقاط متعددی صورت می‌پذیرد.

موجود نباشد. این گروه در صورتی می‌توانند قائل بر این مطلب باشند که ایجاد ضمان معاوضی را متوقف بر قبض مبیع بدانند حال آنکه ضمان معاوضی به محض وقوع عقد بیع بر عهده بایع قرار می‌گیرد و با قبض مبیع به مشتری منتقل می‌گردد (نامدار، ۱۳۹۵: ۳۵).

با توجه به اینکه مبنای صحت و عدم صحت چنین توافقی ریشه در تکمیلی و امری بودن این قاعده دارد، احراز این موضوع نیز تعیین کننده خواهد بود.

در مواردی که قریبه‌ای بر امکان تشخیص تکمیلی و امری بودن ماده‌ای از مواد قانون وجود ندارد به تصریح برخی، ضابطه تشخیص قانون امری، درجه وابستگی و ارتباط ماده با نظم عمومی است (کاتوزیان، ۱۴۰۰: ۱۶۱). بدین جهت در روابط مالی، شیوه قانون گذار بیشتر حفظ منافع خصوصی افراد می‌باشد و آزادی بیشتری را برای آنها قائل می‌گردد (امامی و عبدی، ۱۳۷۸: ۸۴).

علاوه بر این، اصل صحت نیز مقتضی این مطلب است که در تردید میان امری و تکمیلی بودن قانون، با تکمیلی در نظر گرفتن قانون، اراده طرفین را حاکم گردانیم تا در نتیجه بر صحت قرارداد لطمه‌ای وارد نگردد.

دلیل دیگری که در خصوص امکان تراضی خلاف قاعده مقرر در ماده ۳۸۷ قانون مدنی می‌توان ارائه نمود پذیرش شرط عدم مسؤلیت متعهد در صورت اجرا نشدن تعهد است که جز در مورد تقصیر سنگین و اضرار عمدی مورد پذیرش قرار گرفته است (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۱۶۰)، پس هنگامی که چنین شرطی در رژیم حقوقی ایران صحیح تلقی گردیده و واجد اثر می‌باشد به طریق اولی ضمان ناشی از تلف قهری را می‌توان از عهده بایع ساقط نمود.

با این توضیحات به نظر می‌رسد پذیرش تکمیلی بودن قاعده ضمان بایع پیش از قبض با منطق حقوقی سازگارتر است.

با این استدلال امکان تراضی بر زمان انتقال ضمان معاوضی

در روش FCA انتقال ضمان معاوضی مطابق بند ب-۵ در نقطه‌ای که مبیع برابر بند الف-۴ تسلیم شده است، صورت می‌پذیرد. این روش دو نقطه تسلیم دارد. مطابق قسمت الف-۵ این بند، ضمان معاوضی با تحویل مبیع بر روی وسیله حمل در محل بایع به متصدی حمل یا شخص دیگری که از سوی خریدار جهت تحویل مبیع مشخص گردیده منتقل می‌شود و چنانچه محل تحویل مکان دیگری غیر از محل بایع باشد برابر قسمت ب بند الف-۴ ضمان معاوضی با تحویل مبیع به متصدی حمل بر روی وسیله حمل داخلی در مبدأ منتقل می‌گردد و از آن نقطه، امر تخلیه و بارگیری مبیع و تخلیه آن در مقصد نهایی از وظایف خریدار است.

در حقوق ایران چنانچه تحویل در نقطه معینی در مقصد واقع گردد، در صورتی که تسلیم مبیع متضمن حمل آن باشد، بایع می‌بایست مبیع را در وضعی تسلیم نماید که مبیع تخلیه شده باشد و بارگیری بر روی وسیله حمل بین‌المللی در فرض اطلاق قرارداد طرفین، بر عهده مشتری می‌باشد و در خصوص نقطه انتقال ضمان نیز بیان گردید که نقطه قبض مبیع، ملاک عمل قرار می‌گیرد. بنابراین میان حقوق ایران و اینکوترمز در این گروه نیز اختلاف است. اگرچه همزمانی قبض و تسلیم در این گروه قابل تصور است، اما به هر تقدیر ریسک کالا در حقوق ایران با قبض مبیع منتقل می‌گردد نه تسلیم.

اما برای حل این اختلاف طرفین می‌توانند بر انتقال معاوضی با تسلیم تراضی نمایند. به این ترتیب، بنا به قاعده شروط، تراضی طرفین لازم الاجرا می‌گردد. ماده ۱۰ قانون مدنی نیز اصل حاکمیت اراده را در صورتی که مخالف قانون امری نباشد مجری می‌داند. در این خصوص نیز با توجه به اینکه تکمیلی بودن ماده ۳۸۷ و امکان تراضی بر آن محرز گردیده است چنین توافقی صحیح می‌باشد.

در خصوص روش FAS و FOB که تحویل در روش

با تحویل مبیع به متصدی حمل در کنار کشتی حمل در مبدأ و در خصوص روش FOB برابر بند ب-۵ بر روی عرشه کشتی صورت می‌پذیرد با توجه به اینکه در حقوق ایران نقطه انتقال ریسک با اینکوترمز تفاوت دارد اما مطابق ماده ۱۰ و نیز ماده ۲۲۰ قانون مدنی چنین توافقی معتبر خواهد بود در صورتی که طرفین بر انتقال ضمان همزمان با تسلیم مبیع تراضی نمایند می‌بایست این تسلیم مطابق اینکوترمز صورت پذیرد.

در گروه C تحویل مبیع در نقطه معینی در مبدأ صورت می‌پذیرد. روش CFR و CIF که تحویل برابر بند الف-۴ در محل مورد توافق طرفین در مبدأ صورت می‌پذیرد با تحقق تسلیم ضمان معاوضی مطابق بند ب-۴ منتقل می‌گردد.

در حقوق ایران به دلیل توقف تسلیم مبیع بر قبض، تغییر نقطه وقوع آن نیاز به تراضی و توافق دارد و مانعی جهت تراضی طرفین از این حیث نیست به این ترتیب تراضی طرفین مطابق قاعده شروط و تصریح ماده ۲۲۰ قانون مدنی در خصوص ملتزم گردیدن طرفین به محتوای توافق، ملاک عمل خواهد بود (رسوق، اسماعیلی، ۱۳۹۰: ۷۲).

در روش CIF و CFR نیز تسلیم مبیع مطابق بند الف-۴ با تسلیم روی عرشه کشتی محقق می‌گردد و از این نقطه برابر بند ب-۵ مشتری ضامن ریسک مبیع خواهد بود. حقوق ایران تحقق قبض را کافی برای انتقال ضمان نمی‌داند و طرفین تراضی نقطه انتقال ریسک را می‌توانند نقطه تسلیم قرار دهند.

در روش DAT تسلیم مبیع در مقصد و در حالیکه مبیع از روی وسیله حمل تخلیه گردیده است صورت می‌پذیرد. در حقوق ایران با توجه به انتقال ضمان معاوضی با قبض مبیع عمل به مقتضای اینکوترمز منوط به تراضی طرفین است

در روش DAP و DDP نیز تحویل در مقصد معین بدون

قانون امری باشد از اجرای آن جلوگیری نماید و در صورتی که مطابق بند ج ماده ۲۳۲ تنها شرط را خلاف قانون بداند تنها آثار بطلان را تنها بر شرط اعمال می‌نماید. بدین ترتیب توافق موجود جز در مورد شرطی که ضمان معاوضی را در زمان دیگری مقرر می‌دارد، صحیح است اما چنانکه دادگاه چنین توافقی را خلاف مقتضای ذات عقد بداند، چنین شرطی باطل و مبطل قرارداد مبنا خواهد بود (نامدار، ۱۳۹۵: ۱۲۶).

به هر تقدیر به نظر می‌رسد ضرورت همراه شدن با مقتضیات بین‌المللی، تکمیلی دانستن ضمان معاوضی را اقتضا می‌نماید و با تکمیلی دانستن این مقررات، طرفین ملزم هستند که مطابق ماده ۲۲۰ به آن پایبند باشند و دادگاه نیز این توافق را به موجب ماده ۱۰ و ۹۷۵ قانون مدنی لازم الاجرا می‌داند.

از تفاوت‌های اینکوترمز و حقوق ایران انتقال ریسک پیش از موعد می‌باشد. در اینکوترمز برابر بند ب-۵ فرضی پیش‌بینی گردیده که اگر مشتری تعهداتی را در برابر بایع جهت تسلیم مبیع به موجب قانون، بر عهده داشته باشد نظیر اخذ مجوزهای ورود و لزوم اطلاع رسانی به بایع و در اثر استنکاف وی از انجام تعهد، بایع نتواند مبیع معین را در زمان مورد توافق در محل مقرر تسلیم نماید، از تاریخ مورد توافق یا انقضای مهلت تسلیم بدون اینکه تسلیم واقع گردد، ریسک کالا به مشتری منتقل می‌گردد.

حقوق ایران در خصوص انتقال ریسک پیش از تسلیم، حکم صریحی ندارد. اما وجود ماده ۳۸۹ قانون مدنی که تلف و نقص پیش از قبض مبیع را در فرضی که ناشی از عمل مشتری باشد بر عهده مشتری می‌داند، این شبهه را ایجاد می‌نماید که انتقال ریسک پیش از موعد در رژیم حقوقی ایران نیز مورد پذیرش واقع گردیده است.

اما با ملاحظه ارکان تحقق ضمان پیش از موعد در اینکوترمز آشکار می‌گردد که قانون ایران بر چنین امری تصریح

تخلیه مبیع صورت می‌پذیرد در این فرض تفاوت در همان نقطه انتقال ضمان است که با تحقق تراضی طرفین در این خصوص مانعی نخواهد بود.

اگر طرفین قراردادی را بر مبنای هر یک از روشهای نامبرده منعقد نمایند و میان طرفین اختلاف شود و دعوی آنها در دادگاه مطرح گردد و دادگاه برابر قواعد حل تعارض، قانونی ایران را صالح بشناسد، در چنین صورتی آیا قراردادی که یکی از شروط اینکوترمز در آن درج شده است صحیح است یا به دلیل درج شرط فاسد در آن باطل می‌باشد؟!

باید توجه داشت که وضعیت چنین معامله‌ای از جهت صحت و بطلان متوقف بر تعیین این مسئله است که قواعد مرتبط با ضمان معاوضی جنبه تکمیلی دارد یا امری؟! به نظر می‌رسد که علیرغم سکوت قانون‌گذار و فقدان قرینه‌ای بر احراز امری بودن این قاعده، اصل صحت مقتضی این است که جهت امتناع از بطلان معامله، در مقام رفع تحیر این ماده را تکمیلی فرض نماییم و در نتیجه آثار یک توافق صحیح را بر آن مرتب بدانیم. این موضوع با ملاحظه درج‌خیزات در قرارداد توجیه‌پذیر است چرا که هنگامی که درج‌خیزاتی چون خیار حیوان، مجلس و شرط در صورتی که مختص به مشتری باشد بر این قاعده در خصوص زمان انتقال ریسک استثناء وارد می‌نماید با توجه به مبنای اختیاری آن، می‌بایست قائل بر همین اختیار برای مشتری یا بایع گردید که با تراضی یکدیگر این تاریخ را تغییر دهند، چرا که خیزات جنبه اختیاری داشته و طرفین می‌توانند چنین توافقی را در قرارداد بگنجانند و یا چنین حقی را در قرارداد مبنا، برای خود در نظر نگیرند. با این توضیح تکمیلی بودن و امکان تراضی بر خلاف ماده ۳۸۷ وجود دارد و اصل آزادی قراردادی طرفین را در انتخاب قراردادها و مندرجات آن مختار می‌داند. از این‌رو دادگاه مکلف است قراردادی را که برابر ماده ۹۷۵ مغایر نظم عمومی و اخلاق حسنه بداند و نیز برابر مستنبط از ماده ۱۰ در صورتی توافق طرفین خلاف

ندارد. چرا که ضمان پیش از موعد در اینکوترمز مطابق بند ب-۵ از دو رکن اصلی تشکیل گردیده است.

رکن اول تعیین و تخصیص مبیع برای قرارداد از سوی بایع که هم در ایران و هم در اینکوترمز مورد پذیرش واقع گردیده است و رکن دوم تقصیر مشتری از انجام تعهداتی که تسلیم مبیع بر آن متوقف گردیده است. این مورد به تصریح همین بند، عدم مطلع ساختن بایع از اموری چون تاریخ تسلیم، زمان ارسال کالا، مکان تحویل در مقصد یا مبدأ، نام کشتی و شیوه حمل در موارد مقتضی و نیز عدم انجام تعهد مربوط به تشریفات ورودی کالا تنها در روش DAT که تسلیم مبیع، به علت فراهم نگردیدن این امور منتفی خواهد گردید. بنابراین هر تلف و نقصی را نمی‌توان در این مفهوم دانست. به عبارت بهتر انتقال ریسک پیش از موعد متوقف بر تلف و نقص مبیع نگردیده و به طور مطلق چنانچه تقصیر مشتری در موارد فوق‌الذکر انتفای تسلیم را سبب گردد، مجری خواهد بود. حال آنکه ماده ۳۶۹ قانون مدنی تنها در فرض تلف و نقص متناسب به مشتری، ضمان را بر عهده وی می‌داند؛ آن هم با این توجیه که عمل وی به تصریح حقوقدانان در حکم قبض مبیع خواهد بود و اینگونه فرض می‌گردد که مشتری در لحظه اتلاف بر مبیع مستولی شده و خود آن را از بین برده است (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۱۹۸).

بدین ترتیب در حقوق ایران تا زمانی که قبض مشتری یا حاکم در نیاید یا توسط وی ناقص یا تلف نگردد که این خود نیز قبض تلقی می‌گردد ضمانی به مشتری منتقل نمی‌گردد. در نتیجه پذیرش ضمان پیش از موعد در رژیم حقوقی ایران منتفی می‌گردد.

نتیجه‌گیری

با توجه به پژوهش باید گفت اصول حاکم بر انتقال ریسک میان حقوق ایران و اینکوترمز جز در نقطه انتقال، یکسان

است. در اینکوترمز مشتری از زمان تسلیم مبیع صرف نظر از تحقق قبض ضامن ریسک کالا خواهد بود اما در حقوق ایران انتقال ریسک علیرغم اینکه در ظاهر متوقف بر تسلیم کالا گردیده است، حقیقتاً از زمان قبض به مشتری منتقل خواهد گشت. از این‌رو در تطبیق قواعد اینکوترمز و حقوق ایران این موضوع به صورت زیر متفاوت می‌باشد:

در روش EXW ریسک کالا با در اختیار قرار دادن مبیع به مشتری در محل بایع منتقل می‌گردد و از این نقطه به بعد هرگونه تلف و خسارت بر مبیع بر عهده مشتری خواهد بود اما در نقطه مقابل، در حقوق ایران انتقال ریسک در واقع با قبض مبیع تحقق می‌یابد و از این حیث میان اینکوترمز و حقوق ایران تفاوت وجود دارد.

از دیگر تفاوت‌های اینکوترمز و حقوق ایران انتقال ریسک پیش از موعد می‌باشد. در اینکوترمز برابر بند ب-۵ فرضی پیش‌بینی گردیده که اگر مشتری تعهداتی را در برابر بایع جهت تسلیم مبیع به موجب قانون، بر عهده داشته باشد نظیر اخذ مجوزهای ورود و لزوم اطلاع رسانی به بایع و در اثر استتکاف وی از انجام تعهد، بایع نتواند مبیع معین را در زمان مورد توافق در محل مقرر تسلیم نماید از تاریخ مورد توافق یا انقضای مهلت تسلیم بدون اینکه تسلیم واقع گردد ریسک کالا به مشتری منتقل می‌گردد.

حقوق ایران در خصوص انتقال ریسک پیش از تسلیم، حکم صریحی ندارد. اما وجود ماده ۳۸۹ قانون مدنی که تلف و نقص پیش از قبض مبیع را در فرضی که ناشی از عمل مشتری باشد بر عهده مشتری می‌داند، این شبهه را ایجاد می‌نماید که انتقال ریسک پیش از موعد در رژیم حقوقی ایران نیز مورد پذیرش واقع گردیده است. اما با ملاحظه ارکان تحقق ضمان پیش از موعد در اینکوترمز آشکار می‌گردد که قانون ایران بر چنین امری تصریح ندارد؛ چرا

تعارض منافع: در این مقاله هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

سهام نویسندگان: نویسندگان به صورت برابر در تهیه مقاله حاضر مشارکت داشته‌اند.

تشکر و قدردانی: از کلیه کسانی که در تهیه این مقاله ما را یاری رساندند، تشکر می‌نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی سامان یافته‌است.

که ضمان پیش از موعد در اینکوترمز مطابق بند ب-۵ از دو رکن اصلی تشکیل گردیده است:

رکن اول تعیین و تخصیص مبیع برای قرارداد از سوی بایع که هم در ایران و هم در اینکوترمز مورد پذیرش واقع گردیده است و رکن دوم تقصیر مشتری از انجام تعهداتی که تسلیم مبیع بر آن متوقف گردیده است. این مورد به تصریح همین بند عدم مطلع ساختن بایع از اموری چون تاریخ تسلیم، زمان ارسال کالا، مکان تحویل در مقصد یا مبدأ، نام کشتی و شیوه حمل در موارد مقتضی و نیز عدم انجام تعهد مربوط به تشریفات ورودی کالا تنها در روش DAT که تسلیم مبیع، به علت فراهم نگردیدن این امور منتفی خواهد گردید. بنابراین هر تلف و نقصی را نمی‌توان در این مفهوم دانست. به عبارت بهتر انتقال ریسک پیش از موعد متوقف بر تلف و نقص مبیع نگردیده و به طور مطلق چنانچه تقصیر مشتری در موارد فوق الذکر انتفای تسلیم را سبب گردد، مجری خواهد بود. حال آنکه ماده ۳۸۹ قانون مدنی تنها در فرض تلف و نقص متناسب به مشتری، ضمان را بر عهده وی می‌داند؛ آن هم با این توجیه که عمل وی به تصریح حقوقدانان در حکم قبض مبیع خواهد بود و اینگونه فرض می‌گردد که مشتری در لحظه اتلاف بر مبیع مستولی شده و خود آن را از بین برده است. بدین ترتیب در حقوق ایران تا زمانی که مبیع به قبض مشتری یا حاکم در نیاید یا توسط وی ناقص یا تلف نگردد که این خود نیز قبض تلقی می‌گردد ضمانی به مشتری منتقل نمی‌گردد. در نتیجه پذیرش ضمان پیش از موعد در رژیم حقوقی ایران منتفی می‌گردد.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- امامی، حسن (۱۳۸۲). حقوق مدنی. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- انصاری، مرتضی (۱۳۶۹). المکاسب. قم: دارالذخائر.
- خوانساری نجفی، موسی و نائینی، محمدحسین (۱۳۹۸)، منیه الطالب فی شرح المکاسب. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم.
- رسوق، محسن و اسماعیلی، محسن (۱۳۹۰). تسلیم مبیع و ثمن و آثار آن در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (وین ۱۹۸۰) و مقایسه‌ی آن با فقه و حقوق ایران و سوریه. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- شهیدی تبریزی، میر فتاح (۱۳۷۵). هدایه الطالب الی الاسرار المکاسب. تبریز: چاپخانه‌ی اطلاعات.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۳). مختلف الشیعه فی احکام الشریعه. جلد پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۳). دوره حقوق مدنی: عقود معین: عقود اذنی - وثیقه‌های دین، ودیعه، عاریه، وکالت، ضمان، حواله، کفالت، رهن. تهران: انتشارات گنج دانش.

- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۴). دوره حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها: انحلال قرارداد. تهران: انتشارات گنج دانش.
- کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۰). مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی. تهران: انتشارات گنج دانش.
- مسجدسرای، حمید (۱۳۹۳). ترمینولوژی فقه: اصطلاح-شناسی فقه امامیه به انضمام فهرست تفصیلی احکام مربوطه. تهران: انتشارات پیک کوثر.
- نامدار، هانیه (۱۳۹۵). اینکوترمز ۲۰۱۰. طرح پژوهشی، قم: دانشگاه قم.

ب. منابع انگلیسی

- Bhogal T & Trivedi A (2019). *INCOTERMS 2010*. In: *International Trade Finance. Finance and Capital Markets Series*. Palgrave Macmillan, Cham, 1(2): 118-129.

References

- Allama Hali, HIY. (1992). *Different Shiites in the rules of Sharia*. Vol. 5, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Teachers of the Seminary of Qom. (Persian)
- Ansari, M (1990). *Al-Makasib*. Qom: Dar al-Zakhair. (Persian)
- Bhogal T & Trivedi A (2019). *INCOTERMS 2010*. In: *International Trade Finance. Finance and Capital Markets Series*. Palgrave Macmillan, Cham, 1(2): 118-129.
- Emami H. (2003). *Civil Law*. Tehran: Islamic Bookstore. (Persian)
- Katozian, N (2014). *Civil Law Course: Certain Contracts: Permission Contracts - Religious Bail, Deposit, Loan, Advocacy, Guarantee, Remittance, Bail, And Mortgage*. Tehran: Ganj-e-Danesh Publications. (Persian)
- Khansari Najafi, M & Naeini MH (2019). *Minya al-Talib fi Sharh al-Makasib*. Qom: Islamic Publications Office of the Society of Teachers of the Seminary of Qom. (Persian)
- Masjedsarai, H (2014). *Terminology of Jurisprudence: Terminology of Imami Jurisprudence with a Detailed List of Relevant Rulings*. Tehran: Peyk Kowsar Publications. (Persian)
- Namdar, H (2015). *Incoterms 2010*. Research Project, Qom: Qom University. (Persian)
- Shahidi Tabrizi, MF (1997). *Hedayeh Al-Talib to Al-Asrar Al-Makasib*. Tabriz: Information Printing House. (Persian)
- Katozian, N (1400). *Introduction to Law and Study in the Legal System*. Tehran: Ganj-e-Danesh Publications. (Persian)
- Katozian, N (2015). *Civil Law Course: General Rules of Contracts: Termination of Contract*. Tehran: Ganj-e-Danesh Publications. (Persian)
- Rasouq, M & Ismaili, M (2011). *Delivery of The Object of Sale and the price and its effects in the International Convention on the Sale of Goods (Vienna 1980) and its comparison with the jurisprudence and law of Iran and Syria*. Tehran: Imam Sadegh (AS) University. (Persian)